

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۵/۲۶

موضوع: ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم‌ردیف توحید و نبوت و معاد

(سخرانی در مسجد امام حسن مجتبی شهرستان ماهشهر)

فهرست مطالب این سخنرانی:

جایگاه عظیم غدیر در روایات معصومین (سلام الله علیهم اجمعین)

آیه ولایت از دیدگاه مفسر مشهور اهل سنت

پاداشی که امیرالمؤمنین به یک فرد ناصبی دادند!

بهترین کاری که باید در «عید غدیر» انجام داد

ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم‌ردیف توحید و نبوت و معاد

قدر ولایت امیرالمؤمنین در این ساعت سخت معلوم می شود!

ذبح کودک شیرخواره، قطع دست، پا و زبان؛ فقط به خاطر «علی»!!

وقتی امام جماعت مسجد النبی روزه خواری می کند!!

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين لاحول ولا قوة الا بالله العظيم حَسْبُنَا
اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَاسْتَعْنْتُ بِذِي الْعِزَّةِ وَالْقُدْرَةِ
وَالجَبْرُوتِ

ثم الصلاة والسلام على سيدنا وسيد الاولين والآخرين حبيبنا وحبیب اله العالمين الذي سمي في السماء باحمد
و في الارض بابي القاسم محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين
المنتجبين المكرمين لاسيما ناموس الدهر، وإمام العصر عجل الله تعالى له الفرج

واللعن الدائم على اعدائهم ومخالفهم ومعانديهم من الآن إلى قيام يوم الدين وبعد قال الحكيم في كتابه
الكریم: (يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)

خدا را بر تمام نعمت‌هایش، بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم، ایام دهه امامت و ولایت و فرا رسیدن عید الله
الاکبر، «عید غدیر خم» و میلاد خجسته‌ی امام هادی (سلام الله علیه) را به پیشگاه مقدس مولایمان بقیة الله
الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و همه علاقمندان به اهل بیت عصمت و طهارت و شما گرامیان، تبریک و
تهنیت می‌گوییم، خدا را به آبروی این انوار طیبه قسم می‌دهم که عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان بقیة الله
الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء قدار بدهد ان شاء الله.

جایگاه عظیم غدیر در روایات معصومین (سلام الله عليهم اجمعین)

همان‌گونه که عزیزان مستحضر هستید، ایام متعلق به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و دهه، دهه‌ی ولایت و
امامت است و داریم برای استقبال «عید غدیر خم» آماده می‌شویم، عید بزرگ الهی که از آن به «عید الله
الاکبر» تعبیر می‌شود.

امام صادق (سلام الله عليه) فرمود:

«مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا وَتَعَيَّدَ فِي هَذَا الْيَوْمِ»

تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان)، ج ۳، ص: ۱۴۳، بَابُ صَلَاةِ الْعَدِيرِ، ح ۳۱۷

حضرت می فرماید: هیچ پیغمبری در زمان گذشته نبود، جز این که عید غدیر و روز هجدهم ذی الحجه را برای خودش عید می گرفت. و این یعنی عید غدیر فقط مختص مسلمانها و شیعیان نیست.

در روایت دیگر داریم:

«لَوْ عَرَفَ النَّاسُ فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ بِحَقِيقَتِهِ لَصَافَحَتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ»

مردم اگر بدانند فضیلت عید غدیر چیست و آگاه باشند و طبق آگاهی شان عمل کنند، هر روز ده بار ملائکه با آنان مصافحه می کنند

تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان)، طوسی، محمد بن الحسن، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۶؛ ص ۲۴

عید غدیر، عیدی نیست که مربوط به يك برهه ای از زمان و یا يك حادثه ی تاریخی باشد که ما بخواهیم در رابطه با این حادثه تاریخی سخن بگوییم. قضیه ی غدیر در حقیقت يك فصل جدیدی از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه واله وسلم) است که با معرفی امیرالمؤمنین برای ولایت دین الهی کامل گشت، نعمت های خدایی بر بندگان به حد اعلی رسید و اسلام مرضی خدای عالم قرار گرفت.

غدیر در حقیقت يك بخشی از تنه اسلام است و يك بخشی از مجموعه معارف دینی است که بدون آن، اسلام مفهوم پیدا نمی کند، بدون آن اسلام معنای واقعی خود را در جامعه نمی گذارد، بدون آن تلاش ۲۳ ساله رسول

اکرم به ثمر نمی شنید، شما در آیه ۶۷ سوره مائده می خوانید:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان!

پیغمبر! آنچه که به تو دستور دادیم به مردم ابلاغ کن؛ کار پیغمبر ابلاغ است.

(إِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ)

بر تو، تنها ابلاغ (رسالت) است

سوره آل عمران (۳) آیه ۲۰

وظیفه پیغمبر رساندن دستور الهی به مردم است؛ ولی این دستور يك ویژگی دارد که هیچ يك از دستورات

الهی این ویژگی را ندارد، خدای عالم یکبار در قرآن این طوری پیغمبر خود را مورد تهدید قرار می‌دهد

(وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)

و اگر ابلاغ نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای!

سوره مائده (۵) آیه ۶۷

اگر دستور امروز ما عملی نشود، رسالت حق عمل نشده است، و تلاش ۲۳ ساله تو با آن همه زحمات با آن

همه شکنجه‌ها اذیت‌ها طعنه‌ها و افتراها و تهمت‌ها به ثمر نمی‌شنید، این چیست که خدا می‌گوید اگر انجام

نشود اسلام و زحمات تو به ثمر نمی‌شنید، آیا نماز است؟ نماز از روز اول بعثت واجب بود، روزه است؟ روزه از

سال دوم هجرت واجب شد، آیا حج و جهاد است؟ تمام این‌ها در قرآن آمده واجب شده رفته؛ پس معلوم است

يك مسئله‌ی جدید و دستور تازه‌ای است که اگر این به این دستور عمل نشود رسالت نا تمام است، رسالت

پیغمبر محقق نمی‌شود، زحمت‌های پیغمبر نتیجه نمی‌دهد و به ثمر نمی‌شیند؛ پس مشخص است که این يك دستور خاصی است.

آیه ولایت از دیدگاه مفسر مشهور اهل سنت

شما اگر کتاب‌های بزرگان اهل سنت را مطالعه کنید، می‌بیند در رابطه با این آیه روایات متعددی را نقل کرده‌اند که ارزش و اهمیت ولایت امیرالمؤمنین و امامت را نشان می‌دهد.

«آلوسی» یکی از چهره‌های پر آوازه‌ی اهل سنت است و روحیه‌ی سلفی دارد، ایشان در کتاب «تفسیر روح المعانی» نسبت به شیعه جسارت‌های زیادی دارد، وقتی به «شیخ مفید رضوان الله تعالی علیه» می‌رسد که از استوانه‌های علمی شیعه است، تعابیر خیلی وقیحی دارد، واژه «هذا الكلب عدو الله، زندق، ناصبی» نسبت به بزرگان شیعه داده است؛ ولی با این روحیه‌ای که دارد وقتی به این حادثه و قضیه می‌رسد با تمام صراحت از قول «عبدالله مسعود» مفسر عصر صحابه و شاگرد برومند امیرالمؤمنین در تفسیر قرآن نقل می‌کند می‌گوید:

«كنا نقرأ على عهد رسول الله يأبها الرسول بلغ ما أنزل اليك من ربك إن عليا ولي المؤمنين وإن لم تفعل

فما بلغت رسالته»

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين

السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: ١٢٧٠هـ ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ٦، ص

١٩٣

می‌گوید ما این آیه را در زمان پیغمبر این چنین می‌خواندیم، نمی‌گوید من می‌خواندم بلکه تعبیر «كُنَّا» دارد، با صیغه مع الغیر با کلمه «كان» که دلالت بر استمرار دارد می‌گوید ما این آیه را در عهد نبوت این‌طوری می‌خواندیم: پیغمبر! به مردم ابلاغ کن ولی امر مسلمان‌ها علی است که اگر این ابلاغ نشود رسالت ناتمام است.

بحث ولایت علی یک بحث فرعی از فروع دینی نیست که ما بخواهیم در رابطه با او بحث کنیم حالا اگر کسی قبول کند، یا قبول نکند، فرقی نکند، نه؛ بحث ولایت علی یک بحث اساسی و ریشه‌ای است و یک بخشی از بدنه اسلام است که بدون این بخش اسلام محقق نمی‌شود و اسلام واقعیت پیدا نمی‌کند.

جالب این است که بزرگان اهل سنت در رابطه با ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) وقتی که می‌آیند مقایسه می‌کنند با سایر واجبات الهی که البته در کتب ما هم است.

«مرحوم کلینی» (رضوان الله تعالی علیه) متوفای ۳۲۹ در کتاب «کافی» که اولین کتاب از کتب اربعه شیعه است و این کتاب افتخار شیعه است، مثل کتاب «کافی» در تاریخ شیعه نوشته نشده است، ایشان در جلد دوم صفحه ۱۸ تا ۲۷ نزدیک ۱۶ - ۱۷ تا روایت از ائمه (علیهم السلام) آورده است.

«بُئِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصُّومِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُتَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِي بِالْوَلَايَةِ»

الكافي (ط - الإسلامية)، كلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲؛ ص ۱۸

و در صفحه ۲۱ می‌گوید:

«وَ لَمْ يُتَادَ بِشَيْءٍ مَا نُودِي بِالْوَلَايَةِ يَوْمَ الْغَدِيرِ»

الكافي (ط - الإسلامية)، كلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲؛ ص ۲۱

در میان واجبات الهی هیچ‌کدام هم‌سطح ولایت علی نیست، بعد امام باقر (سلام الله علیه) گلايه می‌کند می‌فرماید:

«فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَتَرَكُوا هَذِهِ يَغْنِي الْوَلَايَةَ»

الكافي (ط - الإسلامية)، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲؛ ص ۱۸

مردم آن چهار تا را گرفته‌اند، نمازشان را خوب می‌خوانند، روزه‌شان را هم می‌گیرند، حج‌شان را هم می‌روند؛ ولی برای ولایت علی اهتمامی نمی‌ورزند، حتی در حد يك نماز و در حد يك روزه؛ این در حقیقت گلايه امام از ما است!

البته همین روایت در کتب اهل سنت هم آمده است شما ملاحظه بفرمایید آقای «محمد کرد علی» از استوانه‌های علمی اهل سنت و از علمای بزرگ بغداد است و همه مذاهب اهل سنت قبولش دارند کتابی به نام «خط الشام» دارد در جلد ۶ صفحه ۲۴۵ مفصل از «ابوسعید خدری» در رابطه با گسترش فرهنگ شیعه علی در عصر نبوت نقل می‌کند، بعد «ابوسعید خدری» می‌گوید:

«أمر الناس بخمس فعلموا بأربع وتركوا واحدة. ولما سئل عن الأربع قال: الصلاة والزكاة وصوم شهر

رمضان والحج قيل: فما الواحد التي تركوها؟ قال: ولاية علي بن أبي طالب»

خط الشام؛ المؤلف: محمد بن عبد الرزاق بن محمد، كُرد علي (المتوفى: ۱۳۷۲هـ)، الناشر: مكتبة

النوري، دمشق؛ الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۳ هـ - ۱۹۸۳م؛ ج ۶، ص ۲۴۵

این بخش فرا مذهبی است و اختصاص به شیعه ندارد، یا در کتاب «مناقب مغزلی» و غیره تعبیر این است که وقتی که از او سؤال می‌کنند آیا ولایت علی هم مثل نماز و زکات واجب است؟ می‌گوید بله.

می‌گوید:

«قال: فقد كفر الناس!!»

پرسید: با رها کردن ولایت مردم کافر شدند!!

«قال: فما ذنبي!»

گفت: گناه من چیست!

مناقب علی بن ابی طالب؛ أحمد بن موسى ابن مردويه الأصفهانی، تحقیق: عبد الرزاق محمد حسین

حرز الدین، چاپ: الثانية، سال چاپ: ۱۴۲۴ - ۱۳۸۲ ش، ناشر: دار الحديث، ص ۷۲، ح ۴۸

می گوید گناه من چیست؟ من ناقل روایت امیرالمؤمنین هستم، این مطلب را «مناقب ابن مردویه» در صفحه ۷۲ مفصل از قول «ابوسعید خدری» صحابی جلیل القدر نبی مکرم نقل می کند.

پاداشی که امیرالمؤمنین به یک فرد ناصبی دادند!

نکته دیگری را که عزیزان در اهمیت ولایت امیرالمؤمنین دقت کنند خطبه‌ای است که رسول اکرم در «غدیر خم» خوانده، من همیشه این گلایه را داشتم که بزرگان اهل سنت حدیث غدیر را نقل کردند؛ ولی خطبه غدیر را نقل نکردند. حدیث، کلام يك سطری و دو سطری است و از نظر کلمه ممکن است چند کلمه‌ی باشد؛ ولی غدیر حدیث نیست، غدیر خطبه است، شما ببینید «صحیح مسلم، مسند احمد، سنن نسائی، صحاح ستة» اهل سنت نقل کردند که رسول اکرم روز هیجدهم ذی الحجه بعد از نماز ظهر تا فرا رسیدن وقت نماز عصر یعنی دو ساعت نیم حداقل حضرت سخنرانی کردند. و می گویند چیزی نماند که پیغمبر در آن جا نگفته باشد. می گوئیم چه فرمود؟ می گویند فرمود:

«من كنت مولاة فعلى مولاة!»

می‌گوییم این که حدیث غدیر است، خطبه غدیر کجاست؟ يك نفر که دو ساعت صحبت کرده است باید ۵۰ - ۶۰ صفحه مطلب گفته باشد، شما سخنرانی يك سخنران را که ده دقیقه تا يك ربع سخنرانی کرده وقتی متنش را پیاده می‌کند ۷ - ۸ صفحه می‌شود، معمولا ما تایم داریم ۵ دقیقه سخنرانی حدود ۷ - ۸ صفحه در می‌آید. در غدیر خم دو ساعت و نیم پیغمبر سخنرانی کرده است فقط «من كنت مولاة فعلى مولاة» شده است!!

حالا بعضی‌ها يك لطفی کرده‌اند و گفته‌اند پیامبر فرمود:

«اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»

«ابن تیمیه» می‌گوید این هم دروغی است که شیعیان در کتاب‌های ما اضافه کرده‌اند، من خیلی روی این قضیه کتاب‌های اهل سنت را گشتم، تا ببینم خطبه را چه کسی نقل کرده است، در قرن دوم، سوم، چهارم هجری بررسی کردم دیدم هیچ کدام از این آقایان خطبه را نقل نکردند!!

اول کسی که آمده چیزی به نام خطبه نقل کرده، آقای «طبرانی» متوفای ۳۶۰ هجری است، ایشان کتابی به نام «المعجم الصغير» و «المعجم الوسيط» و «المعجم الكبير» دارد، که کتاب «معجم كبير» ایشان حدود ۲۷ - ۲۸ جلد است.

آقای «طبرانی» در جلد سوم صفحه ۱۸۰ خطبه غدیر را در حد دو، سه صفحه نقل کرده است، باز هم همین اندازه را ما قبول داریم، و یقین داریم که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) پاداش او را خواهد داد؛ یعنی رسول الله در «غدیر» يك دعا کرده است فرمود:

«اللَّهُمَّ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ»

فرمود: خدایا هرکس علی را کمک کرد، کمکش کن، هرکس به علی خدمت کرد، خدایا یاری اش باش! دعای پیغمبر قطعاً به اجابت رسیده است، در آن هیچ شك و شبهه‌ی نیست. من بر این عقیده هستم اگر کسی نستجیر بالله ریئاً هم برای علی کار کند، خدای عالم به خاطر آن زحمتی که می‌کشد، نه به خاطر نیتش، خستگی که به او پیش می‌آید به خاطر آن هم به او پاداش می‌دهد.

يك قضیه‌ی را «آیت الله عراقی» در کتاب «رایات رهنما» نقل می‌کند، می‌گوید در «نجف اشرف» يك تاجر ناصبی بود نسبت به امیرالمؤمنین علناً جسارت می‌کرد، يك کارگر، پیشخدمت و نوکری داشت شیعه بود، خیلی از این کار زجر می‌کشید، بارها به این صاحب کار و این تاجر اعتراض می‌کرد؛ ولی گوش نمی‌داد. يك شب گفت من حرم حضرت امیر می‌روم از حضرت می‌خواهم که رشته عمرت را قطع کند، گفت برو ببینم چه کار می‌کنی!

ایشان در کتابش می‌نویسد این خدمتکار به حرم حضرت می‌رود خیلی گریه و زاری می‌کند، تا پاسی از شب در همان جا می‌ماند تا خوابش می‌برد، می‌گوید در عالم رؤیا خدمت امیرالمؤمنین مشرف شد، خودش را به پاهای امیرالمؤمنین انداخت سلام و اظهار ارادت کرد بعد گفت حالا که امیرالمؤمنین را دیدم بگذار حاجت دل و مشکلاتم را با علی مطرح کنم.

این چنین فرصت‌ها به این سادگی به دست نمی‌آید، عرض کرد یا ابالحسن سه تا حاجت دارم، حضرت فرمود بفرماید گفت حاجت اولم این است که ارباب و صاحب کار من خیلی نسبت به شما جسارت می‌کند من از دست ایشان به سطوح آمدم، قلب من کباب می‌شود، از خدا بخواه رشته عمرش را قیچی کند.

حاجت دوم من این است که آقا جان از عمر من ۳۰ - ۳۵ سال گذشته از نوکری و کارگری دیگر به سطوح آمده‌ام از خدا بخواه که يك وسعتی بدهد دیگر من مستقل باشم.

حاجت سوم من این است که به قول امروزی‌ها دیگر پیر پسر می‌شوم تا کی من مجرد بمانم، از خدا بخواه
مقدمات ازدواج من فراهم بشود.

امیرالمؤمنین فرمود پسر جان! حاجت اولت قبول نیست؛ ولی دوم و سوم آن قبول است، عرض می‌کند آقا جان
حاجت دوم و سوم را نمی‌خواهم، قبولی حاجت اولی را می‌خواهم، من از دست این ارباب به سطوح آمده‌ام قلبم
با کارهای ایشان به درد می‌آید.

حضرت فرمود نه، به صلاح نیست، دوباره گریه می‌کند می‌گوید آقا جان خیلی من تحت فشار هستم، حضرت
می‌فرماید این ارباب تو با این که ناصبی است، هر وقت می‌آید از کنار حرم من رد می‌شود بی اختیار خم
می‌شود در برابر گنبد من تعظیم می‌کند، به همین اندازه به گردن من علی حق دارد، من نمی‌خواهم مایه هلاکت
و بیچارگی او را فراهم کنم.

آی شیعه، علی این است! دقت کنید يك ناصبی در برابر گنبد و ضریح حضرت سر خم می‌کند، این کار او را هم
حضرت به يك نوعی می‌خواهد جبران کند، این بنده خدا از خواب بیدار می‌شود بر می‌گردد پیش اربابش.

اربابش می‌گوید خوب چه کار کردی؟ تا به حال که برای من مشکلی پیش نیامده است، ایشان حرف نمی‌زنند،
اربابش می‌گوید پس آن‌جا رفتی محلت نگذاشت، علی حسابت نکرد، نوکر گریه می‌کند ارباب متوجه می‌شود
که خبرهای است، گفت چه شده؟ این خدمتکار خوابش را نقل می‌کند، می‌گوید دوباره خوابت را بگو، سه باره،
چهار باره... بعد ارباب شروع به اشک ریختن می‌کند.

می‌گوید این که من در برابر ضریح و گنبد حضرت سر خم می‌کنم والله احدی خبر ندارد، زن و بچه من خبر
ندارد، معلوم می‌شود علی ابن ابیطالب خیلی مرد و بزرگ است، من که دهنم این همه آلوده است به مجرد
این که يك سر خم می‌کنم، به همین اندازه حساب من را دارد.

تو شاهد باش که من از گذشته‌ام توبه کردم و استغفار می‌کنم و شیعه می‌شوم، بعد می‌گویند شما می‌دانی محصول عمر من یک دختر بیشتر نیست، اگر اجازه بدهید شما را به دامادی خودم انتخاب کنم، از نظر مالی هم که چند تا کاروان سرا و کارخانه و... دارم باهم دوتایی بروید کار کنید و استفاده کنید، ببینید امیرالمؤمنین این است! حتی وقتی که یک ناصبی هم برای حضرت اظهار ارادت می‌کند، آن را هم در نظر می‌گیرد، دوستان را کجا کنی محروم، تو که با دشمن این نظر داری!

بهترین کاری که باید در «عید غدیر» انجام داد

حالا بیایید ببینید در این ایام غدیر چه کار می‌خواهید بکنید؟! به قول یکی از اعظم که می‌گفت روزی ماه محرم را در غدیر تقسیم می‌کنند، هرکس در غدیر کم گذاشت، در عاشورا برایش کم می‌گذارند، در غدیر کوتاه آمد، برایش در ایام محرم کوتاه می‌آیند، زیرا غدیر اساس کار است، اگر ما از روز اول غدیر را فراموش نمی‌کردیم و نادیده نمی‌گرفتیم، عاشورا به وقوع نمی‌پیوست، عاشورا معلول و نتیجه فراموش شدن غدیر است! لذا تلاش کنیم در غدیر با زبان‌مان، با قدم‌مان، با مالمان، هرکس به اندازه وسع خودش در این راه قدم بردارد، چه بسا یک احسان کوچک و یک خدمت کوچک اگر خالص باشد، قطعا از کارهای بزرگ بیشتر ارزش پیدا می‌کند.

ما باید تلاش کنیم در غدیر عشق‌مان را به علی (سلام الله علیه) اثبات کنیم، شام غدیر بتوانیم بگوییم یا فاطمه زهرا! اولین شهید خاکریز ولایت! ما دیشب و امروز برای علی این کارها را کردیم، می‌توانیم با انگشت بشماریم یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت...

حالا هرکسی در حوزه کاری خودش، مجلس می‌گیرید، اطعام می‌کنید، احسان می‌کنید، برای بچه‌هایتان و همسران‌تان لباس نو می‌خرید، به دیدار دوستان‌تان می‌روید می‌آید، ایستگاه صلواتی راه می‌اندازید، به همسایه‌هایتان شیرینی می‌دهید؛ همه به حساب امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است.

ولی من معتقدم دوستان تلاش کنیم غدیرمان معرفتی باشد، غدیر بصیرتی باشد، شیرینی دادن و احسان کردن، مجلس گرفتن خوب است ولی این که ما بتوانیم سطح معلومات مردم را درباره غدیر بالا ببریم، هدف غدیر را برای مردم بیان کنیم، پلاکارتی تهیه کنیم و روایاتی مربوط به غدیر از کتب شیعه و سنی چاپ کنیم به در و دیوار منزل، مسجد، حسینیه‌مان بچسبانیم، پشت ماشین‌مان بچسبانیم که حداقل ده نفر، پنجاه نفر این روایت را ببیند منقلب بشود، یک شیعه ببیند خوشحال بشود یک سنی ببیند تلنگر در ذهنش ایجاد بشود.

جلساتی داشته باشیم که بتوانیم در آن جلسات معرفت افزایی کنیم و مردم را با هدف و فرهنگ غدیر آشنا کنیم. تلاش کنید در این سمت و سو حرکت کنید، مسابقه در مسجد و مدرسه‌مان بگذاریم. در جاهای که هستیم روایات مربوط به غدیر، پنج تا روایت درباره غدیر در رابطه با ولایت امیر المؤمنین برای بچه‌های کوچک، دبستانی‌ها، دبیرستانی‌ها، دانشجویها طرح کنیم هر کدام از این‌ها حفظ و تحقیق کردند جایزه خوبی به آن‌ها بدهیم.

بچه هفت هشت ساله وقتی با فرهنگ غدیر آشنا می‌شود، وقتی بزرگ بشود وارد دبیرستان و دانشگاه بشود دیگر شبهات معاندین در روحیه این بچه اثر نمی‌گذارد. این بچه اگر پا به دریای کفر بگذارد پایش خیس نمی‌شود، علت این که می‌بینید بعضی از جوان‌های ما می‌لغزند و با یک وزش باد وهابیت این طرف آن طرف می‌شوند، نشان می‌دهد که ماها نتوانستیم این‌ها را با فرهنگ ولایت در اول کودکی آشنا کنیم.

ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم‌ردیف توحید و نبوت و معاد

بحث ما در رابطه با خطبه غدیر بود آقای «طبرانی» اولین کسی است که خطبه را نقل کرده قطعاً به خاطر همین امیر المؤمنین ما یقین داریم پاداشی به او می‌دهد، دو سه صفحه بیشتر نیست کتاب «معجم کبیر طبرانی» را دوستان می‌توانند به اینترنت مراجعه کنند و ببینند جلد ۳، صفحه ۱۸۰ در این خطبه البته آن چه را که گفتنی

است در این یک صفحه گفته شده و آن پیام غدیری و فرهنگ غدیری و هدف غدیری در این صفحه کاملاً ترسیم شده است.

من فقط یک فراز از این خطبه را که یک عالم سنی نقل کرده خدمتتان عرض کنم، تا آیه شریفه که قرآن می‌گوید:

(وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)

آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای

سوره مائده (۵): آیه ۶۷

ارزشش برای ما روشن بشود، «طبرانی» می‌گوید رسول اکرم، قبل از آن‌که خطبه را مطرح بکند علی را معرفی بکند سه تا سوال از مردم کرد، تعداد جمعیت را ۹۰ هزار و ۱۰۰ هزار نوشتند «سبط ابن جوزی» از علمای بزرگ اهل سنت ۱۲۰ هزار می‌گوید. «ولی الله دهلوی» می‌گوید ۱۲۴ هزار جمعیت در منطقه غدیر جمع بودند. رسول اکرم با پرسش خطبه را آغاز می‌کند می‌گوید آی مردم:

«أَلَيْسَ تَشْهَدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

من تقاضا دارم عزیزان خوب دقت کنند، این رمز و رموز و عبارتهای که پیغمبر در خطبه غدیر مطرح کرده، هر کدام پیام دارد این پیام را در غدیر ما باید احیاء کنیم، آیا شهادت به وحدانیت خدا نمی‌دهید؟

یا رسول الله این مردمی که ۲۳ سال در رکاب تو بودند از جان و مال گذشتند و هجرت کردند آن‌های که در «مدینه» بودند تمام هستی‌شان را در اختیار «مهاجرین» قرار دادند تا کار به جای رسید که بعضی‌ها دو تا زن داشتند یک زن‌شان را طلاق دادند تا وقتی که عده‌اش تمام شد به عقد «مهاجرین» در بیاید، تا این اندازه ایثار

کردند که اصلاً تصورش برای ما امکان‌پذیر نیست، این‌ها در رکاب تو در حجة الوداع هستند این چه سوالی است؟

«أَلَيْسَ تَشْهَدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

آیا شما شهادت به وحدانیت خدا نمی‌دهید؟

«أَلَيْسَ تَشْهَدُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ»

آیا شما شهادت به رسالت من نمی‌دهید؟

یا رسول الله اگر شهادت به رسالت تو نمی‌دادند این جمعیت در رکاب تو، در این گرمای سوزان از «مدینه» به «مکه» از «مکه» تا «غدیرخم» با شما نبودند؟

« أَلَيْسَ تَشْهَدُونَ وَأَنَّ جَنَّتُهُ حَقٌّ وَنَارُهُ حَقٌّ وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ الْبُعْثَ بَعْدَ الْمَوْتِ حَقٌّ»

آیا شهادت نمی‌دهید مرگ حق است، نکیر و منکر حق است، در قیامت بعثت حق است. حساب و کتاب حق است؟

یا رسول الله اگر این‌ها معاد را قبول نداشتند این همه جان فشانی نمی‌کردند؟ این همه ایثار نمی‌کردند، همه‌ی این‌ها در مراسم حج در رکاب تو گفتند:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ.»

همه این‌ها لبیک به ندای شما بوده این سه تا سوال برای چیست؟ بلافاصله بعد از این حضرت ولایت علی را مطرح می‌کند

«إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنَا أَوْلَى بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَمَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ يَغْنِي عَلَيًّا»

المعجم الكبير ، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني الوفاة: ٣٦٠، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - ١٤٠٤ - ١٩٨٣، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج ٣،

ص ١٨٠

می‌دانید پیامش چیست؟ می‌خواهد بگوید آی مردم ولایت علی که من می‌خواهم معرفی کنم این ولایت علی، در ردیف نماز و روزه و حج و زکات و جهاد نیست، ولایت علی هم ردیف توحید و نبوت و معاد است، انکار ولایت علی مثل انکار رسالت و توحید و معاد است. تن دادن به ولایت علی، تن دادن به توحید و رسالت و معاد است. وگرنه معنا ندارد که رسول اکرم از مردم اعتراف بگیرند آیا شما خدا را قبول ندارید؟ پیغمبر را قبول ندارید، معاد را قبول ندارید؟ همه این‌ها پیام دارد، اگر ما خوب دقت کنیم قضیه ولایت، در ردیف نماز، زکات، حج و امثال آن نیست، خیلی فراتر از این‌ها است و روایات متعددی داریم شاید بیش از ٤٠ روایت داریم که پیامبر فرمود:

«مَنْ أَنْكَرَ إِمَامَةَ عَلِيٍّ بَعْدِي كَانَ كَمَنْ أَنْكَرَ نُبُوتِي فِي حَيَاتِي وَ مَنْ أَنْكَرَ نُبُوتِي كَانَ كَمَنْ أَنْكَرَ رُبُوبِيَّةَ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»

هر کس ولایت علی را انکار کند، گویا رسالت من را انکار کرده!

الأمالی (للصدوق)، ابن بابویه، محمد بن علی، کتابچی - تهران، چاپ: ششم، ١٣٧٦ش، النص؛ ص ٦٥٦

یا:

«مَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَ مَنْ أَنْكَرَنِي فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ»

کمال الدین و تمام النعمة، ابن بابویه، محمد بن علی؛ ج ١، ص ٢٦٢، ح ٨

روایت‌های متعدد ما در این زمینه داریم که بحث امامت و ولایت هم‌سنگ و هم ردیف ولایت، توحید و معاد است و لذا شما می‌بینید شاید بیش از ٢٠٠ روایت در کتب شیعه و سنی آمده:

«من مات بغير إمام مات ميتة جاهلية»

هر کس بدون امام از دنیا برود مرگش، مرگ جاهلی است.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: ۲۴۱، دار النشر:

مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۴، ص ۹۶

ندارد «من مات بلا صلاة مات ميتة جاهلية» یا «من مات بلا صوم و حج مات ميتة جاهلية» ولی دارد:

«من مات بلا إمام مات ميتة جاهلية»

خیلی واضح و روشن است. شما می‌دانید که در «صاحح سته» حدیث غدیر را نقل نکردند، ولی «من مات بلا امام» را نقل کرده اند، شما به «صحیح مسلم» مراجعه کنید که آقایان اهل سنت معتقد هستند صحیح‌ترین کتاب، بعد از قرآن، «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» است؛ در جلد ۳ صحیح مسلم، حدیث ۱۸۵۱ از قول «عبدالله عمر» نقل می‌کند:

«ومن مات ولئیس فی عقبه یبعث مات میتة جاهلیة»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری الوفاة: ۲۶۱، دار النشر:

دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۷۸، ح ۱۸۵۱

«احمد ابن حنبل» متوفای ۲۴۱ در «مسند» خودش از قول پیغمبر نقل می‌کند:

«من مات بغير إمام مات ميتة جاهلية»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: ۲۴۱، دار النشر:

مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۴، ص ۹۶

و این حدیث در میان مردم فرهنگ شده است. راوی خدمت امام باقر (سلام الله علیه) می‌آید می‌گوید یا بن رسول الله ما شنیده‌ایم که رسول اکرم فرموده: «مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» آیا درست است؟ امام باقر فرمود:

«إِي وَ اللَّهِ قَدْ قَالَ قُلْتُ فَكُلُّ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ قَالَ نَعَمْ.»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۳۷۶، ج ۱

و در جای دیگر فرمود:

«مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً جَاهِلِيَّةً كُفْرٍ وَ نِفَاقٍ وَ ضَلَالٍ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۳۷۷، ج ۳

مرحوم «کلینی» ده دوازده روایت در این زمینه آورده؛ یعنی بحث امامت و غدیر را ما یک مقداری ساده گرفته‌ایم و تصور می‌کنیم که يك موضوع اسلامی است و پیغمبر اکرم آمده امیر المؤمنین را برای امامت نصب کرده و الحمد لله خدا به ما توفیق داده که امامت علی را قبول کنیم؛ نه، این نیست.

قدر ولایت امیرالمؤمنین در این ساعت سخت معلوم می‌شود!

من بارها گفتم ما قدر نعمت ولایت را نمی‌دانیم. مثل ماهی که در دریا است، قدر آب را نمی‌داند، وقتی از دریا بیرون می‌آید می‌فهمد چه خبر است؟ «معلی بن خنیث» همراه «صفوان» و دیگران خدمت امام صادق نشستند. امام فرمود وقتی که نفس شما به حلقوم می‌رسد می‌بینید و قدر ولایت را آن‌جا می‌شناسید.

راوی می‌گوید من سوال کردم چه می‌بینیم؟ جواب ندادند. ظاهراً «صفوان» است می‌گوید «معلی» محکم به زانوی من می‌زد که از آقا سوال کن چه می‌بینیم؟ گفت به قدری به زانوی مشیت زد تا زانوی من درد گرفت. تا بعضی از اغیار از مجلس بیرون رفتند، من سوال کردم آقا جان چه می‌بینیم؟ شما فرمودید وقتی به این جا برسد می‌بینید آن لحظه قدر ولایت را می‌دانید.

حضرت فرمود: وقتی اجل فرا می‌رسد رسول اکرم بالای سر شما می‌نشیند، امیر المؤمنین می‌آید پایین پای شما می‌نشیند و علی به شما می‌گوید:

«يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَبْشِرْ»

بشارت باد بر تو!

از هرگونه عذاب قبر، فشار قبر، گرفتاری‌های قیامت در امان هستی، این فرد تعجب می‌کند این شخص چه کسی است؟
می‌فرماید:

«أَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي كُنْتَ تُجِبُّهُ»

الكافي (ط - الإسلامية)، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۳؛ ص ۱۲۹

من همان علی هستم، که یک عمری علی می‌گفتی؛ پایت به زمین می‌خورد علی می‌گفتی؛ می‌خواستی بلند شوی علی می‌گفتی؛ بچه بودی سرت درد می‌گرفت مادرت یا علی می‌گفت؛ زمین می‌خوردی مادرت علی می‌گفت؛ من همان علی هستم که یک عمری صدایش کردی الان هم من آمدم این یا علی گفتن‌هایت را جبران کنم.

«يَا حَارِ هَمْدَانَ مَنْ يَمُتْ يَرِنِي مِنْ مُؤْمِنٍ أَوْ مُنَافِقٍ قَبْلًا»

الأُمالي (للطوسي)، طوسی، محمد بن الحسن، دار الثقافة - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ق، النص؛ ص ۲۲۷

ای که گفتی فَمَنْ يَمُوتُ يَرِنِي / جان فدای کلام دلجویت / کاش روزی هزار مرتبه من مُردمی / تا بدیدمی رویت.
آن وقت است که ما قدر ولایت و امامت علی را می‌دانیم!

حالا ببین در این ایام غدیر، برای علی چه کار می‌خواهی بکنی؟ که در آن لحظه آخر وقتی علی را دیدی بتوانی بگویی، یا علی! من هم برای تو این کارها را کردم، در بشقاب بگذاری یا در کف دستت بگذاری علی جان من هم در «غدیر» این کار را کردم! ده تا پنج تا کاری که انجام دادی به خوبی برای علی بشمار و سربلند باشی.

این‌طور نشود ایام غدیر بیاد و برود فقط شنونده باشی و شرکتی در جلسات داشته باشی! آن هم خوب است من نمی‌گویم خوب نیست، هر کاری انسان برای علی انجام بدهد یک آهی برای علی بکشد، همین آه کشیدن برای علی نفس کشیدن برای علی، قدم بر داشتن برای شرکت در جلسات علی خیلی ارزش دارد شاید عقل و فکرمان به آن‌جا نرسد!

لذا تلاش کنیم در این ایام آن‌چنان از علی سخن بگویید هم بچه شیعه‌های ما سربلند بشوند برای‌شان خاطره بماند، هم برای جوجه‌ها و هابی‌های که در گوشه کنار استان شما تبلیغ می‌کنند، در فضای مجازی تبلیغ می‌کنند، در رسانه‌های جهانی‌شان تبلیغ می‌کنند برای این‌ها هم یک درس عبرتی باشد و این را هم بدانیم ولایت علی به این سادگی به دست من و شما نرسیده و به این سادگی هم از کنارش رد نشویم.

ذبح کودک شیرخواره، قطع دست، پا و زبان؛ فقط به خاطر «علی»!!

دوستان عزیز این ولایت و امامت از لابه‌لای خون و شکنجه به دست ما رسیده است. الان من و شما در جلسات امیر المؤمنین شرکت می‌کنیم برای ما سربلندی است، من بالای منبر صحبت می‌کنم، برای من افتخار است. مردم احترام می‌کنند، بله فلانی دارد از علی دفاع می‌کند.

دفاع کردن از علی برای من و شما مقام، فخر، عزت شده ولی شما به صدر اسلام بر گردید ببینید از علی حرف زدن گناه نابخشودنی است، «ابن حجر عسقلانی»، «ذهبی» و «مزنی» در «سیر اعلام النبلاء»، «تهذیب التهذیب»، «تهذیب الکمال» در شرح حال «علی ابن رباح» می‌نویسند:

«کان بنو أمیة إذا سمعوا بمولود اسمه علي قتلوه»

تهذیب التهذیب، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي الوفاة: ۸۵۲، دار

النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، ج ۷، ص ۲۸۰، ش ۵۴۱

اگر اسم نوزادی را علی می‌گذاشتند «بنی امیه» آن نوزاد را جلوی چشم پدر و مادر ذبح می‌کردند. وارد شده است که «علی ابن رباح» پدر و مادرش را لعنت می‌کرد چرا اسم من را علی گذاشتید؟ می‌گفت اسم من «علی» نیست اسم من «علی» است. من را علی صدا نکنید؛ یعنی اگر اسم کسی را علی می‌گذاشتند برایش مایه ننگ بود!

«ابن ابی الحدید» می‌گوید:

«حتى إن الرجل ليقال له : زنديق أو كافر ، أحب إليه من أن يقال : شيعة علي»

شرح نهج البلاغة، اسم المؤلف: أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحدید

المدائني الوفاة: ۶۵۵ هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - ۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۸ م، الطبعة :

الأولى، تحقيق : محمد عبد الكريم النمري، ج ۱۱، ص ۲۵

اگر زندیق و ملحد می‌گفتند بهتر بود تا شیعه علی بگویند؛ یعنی کفار و ملحدین در جامعه امنیت داشتند؛ ولی شیعه‌های علی امنیت نداشتند.

«کمیل ابن زیاد» که دعای کمیلش را می‌خوانید، شرح حالش را بخوانید، چقدر به خاطر علی شکنجه شده و زجر کشیده آخرش هم به خاطر علی سرش را از بدن جدا کردند.

آقای «محمد ابن ابی‌بکر» پسر ابی‌بکر، خلیفه اول آقایان است، به خاطر دفاع از علی او را می‌کشند و جنازه‌اش را داخل پوست الاغ می‌گذارند و آتش می‌زنند هیچ کافری را این‌چنین نمی‌کشند؛ جرم «محمد ابن ابی‌بکر» چیست؟ جرم ایشان دفاع از علی ابن ابیطالب است جز این است؟ «حجر ابن عدی» را با ده نفر از یارانش قطعه قطعه می‌کنند می‌گویند از علی دست بر دار می‌گوید دست بر نمی‌دارم.

خون پاک آن‌ها بود که علی را در تاریخ این‌چنین حفظ کرد، دست و زبان «رشید حجری» را می‌برند و می‌گویند چرا با این زبان داری از علی تعریف می‌کنی و فضیلت علی را داری مطرح می‌کنی؟

«عبید الله زیاد» به «میثم تمار» دستور می‌دهد که باید از علی دست برداری. مگر می‌شود «میثم» از علی دست بردارد، «میثم» می‌گوید رفتم در خانه علی، علی را زیارت کنم گفتند علی خواب و در حال استراحت است، پشت در ایستادم با صدای بلند گفتم: آقای که در خوابی، من «میثم تمار» هستم آمدم زیارت کنم، دیدم علی از اتاق صدا زد «میثم» بیا داخل، رفتم حالا چه حرف‌های زدند؟ میان عاشق و معشوق رمزی است.

امیر المؤمنین فرمود: «میثم» چه حالی پیدا می‌کنی که تو را دستور بدهند از من برائت بجویی؟ گفت: آقا جان هرگز به فکر من نمی‌رسد. گفت دست و پا و زبانت را می‌بُرند تو را می‌کشند!

می‌دانید «میثم» چه گفت؟ گفت: یا علی این‌ها که ارزش ندارد، بریده شدن دست و دست دادن به خاطر تو که ارزش ندارد. پای من چه ارزشی دارد؟ زبان من چه ارزشی دارد؟ این‌ها دارند عشق می‌کنند، بعد حضرت دست

«میثم» را می‌گیرد و کنار یک درخت خرما می‌بَرَد می‌گوید «میثم» بر بالای همین درخت خرما تو را اعدام می‌کنند.

«میثم تمار» گاهی روزها می‌آمد، زیر آن درخت نماز می‌خواند خطاب می‌کرد ای درخت خرما تو آخرین ملجأ من، آخرین محل عبور من هستی، تو شاهد قتلگاه من هستی!

«عمرو ابن حریث» از صحابی پیغمبر است در قضیه «متعه» داستان‌های مفصلی دارد، نزدیک آن درخت خرما منزل دارد. «میثم» در می‌زند! آقای «میثم» بفرمایید منزل، می‌گوید نه، آقا من با شما همسایه خواهم شد، «عمرو ابن حریث» می‌گوید من خیال می‌کردم، منزل «عبدالله مسعود» که همسایگی ماست را می‌خواهد بخرد. چرا که خیلی‌ها می‌خواستند آن منزل را بخرند، منزل «عبدالله مسعود» صحابی و مفسر عصر رسالت است تا روزی که دیدم «میثم تمار» را بالای نخل زدند، تازه فهمیدم «میثم» با من به صورت رمز و رموزی حرف می‌زد!

دوستان اگر دست و پای شما را ببرند چه حالی پیدا می‌کنید؟ خون فواره می‌زند، وقتی شاه‌رگ بریده شود خون چطور فواره می‌زند؟ دست «میثم» را بریدند، دست از علی بر دار، گفت بر نمی‌دارم، دست چپش را می‌برند پای راستش را می‌برند، دست بر نمی‌دارد پای چپش را می‌برند مگر می‌شود که از علی دست بر دارد؟ بالای چوب نخل دارش می‌زنند همان‌جا شروع می‌کند ای مردم بیایید من از علی روایات زیادی دارم این چند لحظه‌ای که زنده هستم برای‌تان بگویم. نمی‌گفت ای وای دستم و ای وای پایم و چنین و چنان؛ من معتقد هستم وقتی دست «میثم تمار» را بریدند این دست بریدن به خاطر علی برایش عشق است، از خوردن شربت عسل برایش گوارتر است، شاید بگوید خدایا ای کاش به جای این دو تا دست، صدها دست داشتم و به خاطر علی می‌دادم، ای کاش به جای دو تا پا، چندین پای دیگری هم داشتم به خاطر علی هدیه می‌کردم.

شروع می‌کند از علی حرف زدن، همین «عمرو بن حریث» دوان دوان به سمت «دار الاماره» می‌رود و به «عبید الله زیاد» می‌گوید اگر «میثم» این‌طور حرف زدنش ادامه پیدا کند مردم علیه شما شورش می‌کنند، دستور می‌دهد جلاد برو زبان میثم را هم قطع کن!

ببینید این‌ها بودند ولایت را حفظ کردند، که امروز من و شما با افتخار داریم از علی حرف می‌زنیم، از علی حرف زدن برای شما شده مایه عزت و افتخار و لذا ما باید این ولایت را قدر بدانیم، اگر کوتاه آمدیم و «نواصب» و «وهابیت» عزیزانمان را که جزو بدنه جامعه ما هستند از ما جدا کردند، فردای قیامت پیش حضرت زهرا، جواب و پاسخی نداریم.

«میثم»‌ها از ما گلایه خواهند کرد، «حجر ابن عدی»‌ها از ما گلایه خواهند کرد، «رشید حجری»‌ها گلایه خواهند کرد، «مسلم ابن عوسجه»‌ها، «حبیب ابن مظاهر»‌ها گلایه خواهند کرد، که ما برای این ولایت، جان و خون دادیم زجر کشیدیم شکنجه شدیم تا این ولایت به دست نسل‌های آینده برسد، و لذا ما ان شاء الله باید توجه داشته باشیم که باقی مانده عمرمان را با علی چه کار می‌خواهیم بکنیم؟

دوستان عزیز من توصیه می‌کنم تلاش کنید در ۲۴ ساعت پنج دقیقه با خودتان خلوت کنید، با علی گفتگو کنید، قربان صدقه علی بروید، شما چطور فرزند نوزادی دارید دوستش دارید و قربان صدقه‌اش می‌روید، بیایید با علی ابن ابیطالب هم همین‌طور عاشقانه حرف بزنید.

به مرحوم «شیخ انصاری» گفتند آقا بعضی‌ها عتبه علی را می‌بوسند، آستان علی را می‌بوسند، این شرعاً چه صورت دارد؟ می‌دانید چه جواب داد؟ گفت من «شیخ انصاری» حاضر هستم فدای غبار زائرین حرم قمر بنی هاشم، فرزند علی بروم شما می‌گویید آستان علی را می‌بوسند شرعاً چه صورت دارد؟ من «شیخ انصاری» فدای غبار زیر بدن زائرین قمر بنی هاشم علی ابن ابیطالب هستم! و لذا تلاش کنید فرهنگ غدیری را احیاء کنید. خدای نکرده نشود با فراموش شدن غدیر، عاشورهایی دیگری در جامعه ما ایجاد بشود.

مرحوم «مظفر» می‌گوید یکی از علمای اهل سنت گفت: آقا شما این همه دارید از امام حسین هر سال در محرم، صفر به سر و سینه می‌زنید، امام حسین ۱۴۰۰ سال پیش از دنیا رفت خدا بیامرزدش، می‌گوید: به او گفتم که ما غدیر را آسان گرفتیم شما غدیر را انکار کردید، منکر غدیر شدید می‌ترسیم اگر عاشورا را هم سهل بگیریم فردا بگویید امام حسین، سرما خوردگی و آنفولانزا داشت از دنیا رفت خدا بیامرزدش!

لذا تلاش کنید که ان شاء الله عزیزان این نعمت ولایت را که خدای عالم به سادگی و مفت مجانی در اختیار ما قرار داده، این نعمت را خوب قدر بدانیم.

وقتی امام جماعت مسجد النبى روزه خواری می‌کند!!

من قضیه ای را عرض کنم و مباحثم را جمع کنم، من در شهر «دزفول» شما چند دهه صفر منبر داشتم. جناب آیت‌الله «نبوی» یکی از علمای بزرگ «دزفول» برای من نقل کرده بود من زمان آیت‌الله العظمی «بروجردی» حج رفته بودم، در «مدینه» با نماینده ایشان جناب آیت‌الله «عراقی» دیداری داشتم، ایشان قضیه ای برای من نقل کرد.

گفت: من این را خودم از زبان ایشان شنیدم. ایشان به من گفت من با خطیب جمعه «مدینه» امام جماعت «مسجد النبى» رفیق شدم. رفت و آمد داریم، ایشان یک روز ماه رمضان به منزل ما آمد به من گفت شیخ برای من قهوه بیاور، گفتم مگر روزه نیستی؟ گفت آقا قهوه بیاور گفتم آقا شما عذر دارید و نمی‌توانید روزه بگیرید؟ گفت مگر این‌جا قبر است و سوال نکیر و منکر از من می‌پرسی، من مهمان تو هستم می‌گویم برای من قهوه بیاور.

گفت: قهوه آوردم خورد بعد از آن شروع به گریه کرد، چه گریه جانسوزی می‌کرد گفت آقای «عراقی» من به این نتیجه رسیده‌ام کسی اگر ولایت علی را نداشته باشد با سر وارد آتش جهنم می‌شود، گفتم الحمد لله شما به این

نتیجه رسیدید؛ پس چرا ناراحت هستید و قبول نمی‌کنید؟ گفت که جناب «عراقی» من هر کاری کردم تمام تلاشم را به کار بردم ولایت علی به قلب زهر ماری‌ام وارد کنم دیدم ولایت علی وارد قلب من نمی‌شود!

این قلب من، لیاقت ولایت علی را ندارد و یقین دارم فردای قیامت جز جهنم جای دیگری ندارم، وقتی که من یقین دارم قیامت وضع‌ام چطوری است مگر دیوانه‌ام هم این‌جا گرسنگی و زجر بکشم هم آن‌جا عذاب بشوم؛ به قول معروف این‌جا يك صفایی داشته باشیم!

لذا شما می‌بینید ما روایات متعدد داریم می‌گویید اگر خنکی و شیرینی ولایت ما را در قلبتان احساس کردید به مادرتان دعا کنید نمی‌گویید به پدرتان دعا کنید، زیرا آن‌ها در حق پدرتان خیانت نکردند، شما را با مذهب صحیح به دنیا آوردند، شیر حلال به شما دادند شما را با زمزمه ولایت علی بزرگ کردند، عزیزان این نعمت، یک نعمت کوچک نیست که ما از کنارش به سادگی رد شویم.

در اهمیت ولایت همین بس که صدیقه طاهره (سلام الله علیها) پاره تن پیغمبر است، پیغمبر طبق عبارتی که «نوی» و دیگران دارند هشت تا بچه داشت چهار تا پسر و چهار دختر داشتند، بعضی از بزرگان ما هم قبول دارند.

پسر بزرگی به نام «قاسم» داشت که به آن مناسبت حضرت را «ابو القاسم» می‌گویند، پسران دیگری به نام «طاهر» و «طیب» داشت، این سه تا در «مکه» از دنیا رفتند نزدیک قبر ابوطالب و عبدالمطلب در «قبرستان ابوطالب» دفن هستند و نیز فرزندی از «ماریه قبطیه» به نام «ابراهیم» داشت که در «مدینه» از دنیا رفت.

چهار تا دختر داشت «زینب» همسر «ابوالعاص ربیع» و «ام کلثوم» که عروس «ابو لهب» بوده بعد او را طلاق داد و «عثمان» با او ازدواج کرد. دختر چهارمش حضرت زهرا (سلام الله علیها) است که همسر علی ابن ابیطالب است.

درباره هیچ کدام پیغمبر نگفته مثلاً «زینب بضعة منی»، «ام کلثوم بضعة منی»، «قاسم بضعة منی»؛ ولی نسبت به زهرای مرضیه می‌گوید:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِئِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶ ،

دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة : الثالثة، تحقيق : د. مصطفى ديب

البغا، ج ۳، ص ۳۵۹، ح ۳۵۱۰

ولی همین فاطمه‌ی که پاره تن پیغمبر است، اولین شهیده ولایت است. زندگی‌اش را در کف اخلاص گذاشت و برای دفاع از علی ابن ابیطالب با تمام وجود از هیچ کاری دریغ و فروگذاری نکرد.

شما بروید تاریخ را مطالعه کنید کتاب‌های «تاریخ طبری»، «انساب الاشراف بلاذری» جلد ۱، صفحه ۵۸۶، و همچنین کتاب «ابن قتیبہ دینوری»، «الامام والسیاسه» صفحه ۳۱، «تاریخ طبری» جلد ۴، صفحه ۲۲۲ را ببینید هجومی که به خانه حضرت زهرا بردند چگونه بود؟

امام صادق فرمود کربلا سخت است؛ ولی واقعه روز بیعت و حمله به خانه علی و زهرا برای ما از کربلا دردناک‌تر است؛ یک زنی که پهلوی‌اش را شکستند بچاهش سقط شده سینه‌اش مجروح است و دارد خون می‌ریزد، در آن حال وقتی صدا زد یا «فضة خذینی» وقتی بلند شد گفت علی کجاست؟ گفتند: علی را بردند. زهرا با آن وضع دوان دوان به مسجد رفت نه به عنوان همسر خودش، وقتی به مسجد می‌آید تعبیری که «ابن قتیبہ دینوری» در «امامه والسیاسه» دارد می‌گوید من دیدم علی ابن ابیطالب را کشان کشان به مسجد در برابر آن‌ها آوردند دومی می‌گوید:

«یا علی بایع ابابکر»

حضرت جواب می دهد

«إن لم أبايع فمه»

بیعت نکنم چه می شود؟

عمر می گوید:

«والله الذي لا إله إلا هو نضرب عنقك»

الإمامة والسياسة، اسم المؤلف: أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة الدينوري الوفاة: ۲۷۶هـ. ، دار

النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۷م، تحقيق: خليل المنصور، ج ۱، ص ۱۶

زهرای مرضیه این منظره را می بیند، توان این که به آن ها حمله کند ندارد، دست به نفرین بر می دارد معجز به دست می گیرد، «سلمان» می گوید به خدا قسم دیدم ستون های مسجد به حرکت در آمدند، علی گفت «سلمان» زهرا را دریاب اگر زهرا نفرین کند، یک جنبنده در روی زمین زنده نمی ماند، می گوید خودم را به پای زهرا انداختم زهرا جان، تو دختر رحمة للعالمینی دست به نفرین بر داشتی؟

حضرت فرمود: «سلمان» نمی بینی با علی چه کار می کنند؟ حسن و حسینم را دارند یتیم می کنند، عرض کردم زهرا جان! علی من را فرستاده؛ علی، امام زمان و عصر زهرا است فرمود علی فرستاده چشم! دست از نفرین بر می دارد دست علی را می گیرد و به خانه می رود در برابر علی می نشیند:

« يَا أَبَاحَسَنِ نَفْسِي لِنَفْسِكَ الْوَقَا »

بینید به علی چه می‌گوید ولایت در کجاست؟ پاره وجود پیغمبر است تعبیری که مرحوم «میر جهانی» دارد به طور مفصل این را نقل کرده است

« يَا أَبَاحَسَنِ نَفْسِي لِنَفْسِكَ الْوَقَا، رُوحي لروحِكَ الْفِدَاءُ إِنْ كُنْتُ فِي خَيْرٍ كُنْتُ مَعَكَ وَإِنْ كُنْتُ فِي شَرٍّ

كُنْتُ مَعَكَ»

ولایت این است!

روز روشن خانه‌ام را از جفا آتش زدند * * این چنین بی حرمتی با خانه‌ی اعدا نشد
همسری چون من به راه شوهر خود جان نداد * * کودکی چون محسنم قربانی بابا نداد
ای قلم بنویس، ای تاریخ در خود ثبت کن * * یک نفر در موج دشمن حامی زهرا نشد

(أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ)

در کتاب «رایت راهنما»، «حضرت آیت‌الله عراقی» می‌نویسد کسی از بزرگان مراجع خدمت حضرت ولیعصر مشرف شد عرض کرد، آقا جان در قنوت نماز بهترین دعایی که بخوانیم چه است؟ حضرت فرمود این دعا را بخوانید:

« اللهم صلی علی محمد وآل محمد، اللهم إني أسألك بحق فاطمة و أبيها و بعلمها و بنیها و السر المستودع

فیها أن تصلي علی محمد وآل محمد وأن تفعل بی ما أنت أهله ولا تفعل بی ما أنا أهله»

لذا ما عرضه می‌داریم الهی: «فاطمة و أبيها و بعلمها و بنیها و السر المستودع فیها» الهی بحق زهراى مرضیه و امیر المؤمنین هر چه سریع‌تر لباس فرج بر اندام ملکوتی مولایمان بقیة الله الاعظم بیوشان. خدایا به آبروی زهراى

مرضیه از باقی مانده غیبتش صرف نظر بفرما. به آبروی زهرای مرضیه مقدمات ظهورش سریعاً فراهم بفرما. به آبروی زهرا ما را از اعوان خاص و انصار خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده.

انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل فرما. خدمتگذاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالاخص «مقام معظم رهبری» موفق و مؤید بدار. رفع گرفتاری از جمیع گرفتاران بنما. عزیزمان ما در «یمن» در «کشمیر» و در نقاط دیگر جهان گرفتار هستند خدا، به آبروی زهرای مرضیه از همه آنان رفع گرفتاری بنما.

مجاهدین‌مان در همه جای دنیا بویژه در «یمن» نصرت نهایی کرم بفرما. خدایا دشمنان ما که دشمنان دین تو هستند چه در داخل و چه در خارج اگر قابل هدایت نیستند محو و نابود و مضمحل‌شان بفرما. خدایا خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدار. شر دنیا و آخرت از ما دور بگردان. گرفتاری‌ها ما را برطرف کن. مشکلات ما را حل کن. حوائج ما خدا، به آبروی زهرای مرضیه برآورده نما. دعا‌های ما به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صالحین، صدقین بالاخص «امام راحل» و دو تا یادگارش صلوات بفرستید.

والسلام علیکم ورحمة الله